

بازتاب جلوه‌های وطن‌دوستی در شعر سید اشرف الدین حسینی در عصر مشروطه

رضا موسی آبادی^۱

مهدی نوروز^۲

بتول فخراسلام^۳

چکیده

اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه، سبب ظهور شاعرانی شد که مهم‌ترین مضامین شعری آنها، اشعار وطنی و مهم‌ترین دغدغه‌شان، مبارزه با نیروهای مستبد داخلی و خارجی‌ای بود که استقلال و آزادی کشور را به مخاطره می‌افکندند. یکی از این شاعران بنام آزادیخواه، سید اشرف الدین حسینی ملقب به نسیم شمال است که اشعارش آکنده از اندیشه‌های وطن‌پرستانه است. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی به ترسیم و بررسی جلوه‌های گوناگون ادبیات پایداری در اشعار نسیم شمال بپردازد. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که دیوان نسیم شمال را مضامینی؛ چون: بیان دردها و رنج‌های مردم ستم‌دیده و ترسیم چهره واقعی آنها، یادکرد. از قهرمانان ملی و مذهبی، وطن پرستی، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر استبداد و استعمار، القای امید به آینده روشن، دعوت به اتحاد و ستایش آزادی و آزادگی تشکیل می‌دهد که هر یک از این موارد نشان‌دهنده جلوه‌های ادب پایداری در اشعار نسیم شمال است که با زبان صریح و آشکار به آنها پرداخته است.

کلیدواژه‌ها:

نسیم شمال، وطن، استبداد و استعمار، مشروطه.

^۱ . دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

^۲ . استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول)

ایمیل: mahdinovrooz@yahoo.com

^۳ . استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

۱. مقدمه

ادبیات، آینه‌ای است که تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در هر دوره در آن منعکس است. سارتر در سال ۱۹۲۶م در کتاب ارزشمند خود، «ادبیات چیست؟» می‌گوید: ما می‌خواهیم در تغییر دادن جامعه‌ای که ما را در میان گرفته است، شرکت کنیم، ما می‌خواهیم ادبیات، وظیفه اجتماعی خود را که هرگز نباید فرو می‌گذاشت، دوباره به عهده گیرد؛ همچنین او بر التزام نویسنده تأکید می‌کند (نجفی، ۱۳۵۶: ۵۴). سارتر معتقد است، نویسنده ملتزم می‌داند که سخن، همانا عمل است و می‌داند که آشکار کردن، تغییر دادن است (سارتر، ۱۳۴۸: ۴۲). مقاومت و پایداری، یکی از ویژگی‌های غریزی و درونی است. با نگاهی به سیر تکاملی بشر از ابتدا تاکنون با جرأت و قاطعیت می‌توان گفت که مقاومت و پایداری، همواره با انسان عجین بوده است. ایستادگی در برابر قوه قهریه طبیعت نیز نمونه‌ای از همین مضمون است. ادبیات پایداری به عنوان یکی از انواع ادبی، از دیرباز بنا بر حوادث و شرایط اجتماعی و سیاسی ملل مختلف، بازگو کننده آلام و امیدهای مردمی بوده است که آزادی و هویت خود را زیر پای طوق ظلم و بیداد، پیمال شده می‌دیده‌اند. از این رو این گونه ادبی همواره از صادق‌ترین و صریح‌ترین انواع ادبی بوده و بررسی آن می‌تواند بازگو کننده ابعاد دیگر روح جمعی ملل مختلف باشد. در تعریف ادبیات مقاومت و پایداری که از شاخه‌های ادبیات التزام و تعهد است، به مجموعه آثاری اطلاق شده که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی و قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب و غارت سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرد؛ بنابراین جان‌مایه این آثار، مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است (حسام‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲۱). ادبیات مقاومت، مقابله با همه اشکال استعمار و ظلم است که در آن، سخن در جایگاه سلاح و تفنگ قرار می‌گیرد و این در حالی است که تأثیر سلاح و تفنگ محدود به عرصه جنگ است، اما تأثیر سخن ادبیات مقاومت، پیوسته ادامه دارد (الحسین، ۱۹۷۲م: ۱۲). به گونه دیگر، این گونه ادبی در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه-ناپذیر، همواره به مثابه ابزار و سلاحی بازدارنده رخ نموده و موجبات احیای تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است. «اصطلاح ادبیات پایداری را اولین بار، غسان کنفانی فلسطینی بر مجموعه‌ای از اشعار خود و دیگر شاعران معاصر گذاشت» (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۶). این نوع ادبیات به شرح مبارزه، مقاومت و از جان گذشتگی برای به دست آوردن آزادی و از بین بردن جور و ستم و دفاع از فرهنگ و سنت قومی و باورهای مردم آن سرزمین می‌پردازد (همان: ۱۴۸). «چنین تلاشی، ادبیاتی پویا و غنی را به ارمغان می‌آورد، بنابراین واکنش و ایستادگی در برابر ظلم، فساد، تجاوز و بی‌عدالتی‌های فردی و اجتماعی را پایداری و مقاومت می‌نامیم» (حسام‌پور، ۱۳۸۷: ۵۹). خاستگاه این نوع از توجه به ادبیات پایداری را نیز شاید بتوان از عصر مشروطه به بعد دانست، «ادب پایداری به آن مفهومی که امروزه بیشتر مورد نظر دانشمندان علوم اجتماعی و ادبی قرار دارد، همان مفهوم مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم، ضد ظلم و بیدادگری است که در ادبیات ایران سرآغاز آن را از دوره مشروطیت دانسته‌اند» (کریمی لاریمی، ۱۳۸۹: ۲۲۹).

بیان مسئله

باززترین دوران ادب پایداری در ایران تا عصر انقلاب اسلامی، عصر مشروطه است. در این دوره، گونه‌های مختلف ادبیات؛ چون: داستان، شعر، طنز، تصنیف و نمایش‌نامه، عرصه ستیز با بیدادگری حکومت، رخوت‌زدگی جامعه، تبعیض و بی‌عدالتی، جهل و بی‌قانونی و گاه ستیز با مظاهر دینی و شعائر مذهبی است. اگر ویژگی آثار عصر مشروطه، صراحت در بیان است، شاخص آثار این دوره به ویژه در قلمرو شعر، بهره‌گیری از نماد در انتقاد از جامعه فقیر، ویران، بیدادزده و لبریز از اختناق و سانسور است. از این‌روست که داستان‌ها، نمایش‌نامه‌ها و سروده‌های این دوره همگی با زبانی نمادین از اوضاع

دردناک و تیره ایران سخن می‌گویند. در کنار آثار روشنفکرانه این دوره که عمدتاً متأثر از اندیشه‌های مارکسیستی یا غربی هستند، نویسندگان و شاعران دینی برجسته‌ای را نیز می‌توان یافت که در حوزه شعر، داستان، نمایش‌نامه یا سایر گونه‌های ادبی، از فقدان آزادی و عدالت سخن گفته‌اند. با توجه به این حس عدالت‌خواهی و آزادی‌طلبی در این دوران، پرسش پیش روی این مقاله آن است که آیا ادب‌پایداری در آثار نسیم شمال نمود داشته‌است؟ و در صورت وجود، چه شاخصه‌هایی از این نوع ادبیات را در اشعار خود گنجانده است؟

پیشینه تحقیق

مقالات و پژوهش‌های فراوانی درباره شخصیت و شعر سید اشرف الدین حسینی در ایران صورت گرفته‌است که مهم‌ترین آنها چنین است: مقاله «بازتاب مشروطیت در اشعار نسیم شمال و احمد شوقی»، قاسم صحرائی و علی نظری، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ش ۸، صص ۱۴۳-۱۲۳، مشروطه‌خواهی را در شعر این دو شاعر بررسی نموده‌اند. مقاله «تصویر جامعه در اشعار سید اشرف الدین گیلانی»، افسانه وارسته‌فر، دلشاد عامری و افسر افشاری نادری، مجله پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، دوره ششم، شماره ۱۰، صص ۳۹۴-۳۷۲، به بررسی اوضاع اجتماعی در دیوان نسیم شمال پرداخته‌اند. مقاله «بررسی و تحلیل زیباشناسی کاربرد کنایه در شعر نسیم شمال»، سید علی سراج، علی رحیمیان پور و نوش‌آفرین کرمی، مجله پژوهش‌های ادبی و بلاغی، زمستان ۹۴، ش ۱، دوره ۴، خفقان حاکم بر روزگار شاعر را دلیلی بر بسامد بالای آرایه ادبی کنایه در اشعار نسیم شمال معرفی نموده‌اند. از آنجا که تاکنون کتاب یا مقاله‌ای به صورت مجزا به جلوه‌های ادبیات‌پایداری در اشعار نسیم شمال نپرداخته‌است، واکاوی شاخصه‌های این نوع ادب از اهداف اصلی این مقاله بوده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

از آنجا که ادبیات‌پایداری، بسته به ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی هر دوره و در هر برهه از زمان، مطابق شرایط و احوال همان زمان و در قالب‌های گوناگون در شعر و نثر بزرگان ادبیات جلوه‌گر شده، این پژوهش با هدف نمایاندن جلوه‌های ادبیات‌پایداری در اشعار سید اشرف الدین گیلانی ملقب به نسیم شمال صورت گرفته است؛ زیرا مطالعه اشعار نسیم شمال از دیدگاه ادبیات‌پایداری می‌تواند در برانگیختن روح ادب‌پایداری و نیز آشناساختن مخاطبان، به ویژه ادب-پژوهان و نسل جوان با پیام آن، نقش بسیار مهمی را ایفا نماید و زمینه‌های وحدت و همدلی را در میان جامعه بیش از پیش آشکار سازد و الگوهای ایثار، ایمان، شهامت و شجاعت را برای نسل کنونی معرفی نماید.

بحث

نسیم شمال در عصری آلوده به ستم و حق‌کشی زندگی می‌کرد. او سعی نمود با قلم خویش مردم را از خواب غفلت بیدار سازد؛ زیرا «دردآشنای زمانه خویش بود و قلمش را در این طریق و جانش را در این مسیر فرسود» (شیخ‌لووند، ۱۳۸۴: ۳۵۴). صداقت، سادگی بیان، صراحت و شهامت در مبارزه با استبداد، جهل و ریاکاری از ویژگی‌های شعری و ادبی اوست. اگر چه اشعارش فاقد غنای ادبی و جوهر شعری لازم است، اما سادگی و صمیمیت آن که از عمق وجود شاعر جویشده است تا حدودی این کمبود را جبران کرده است (ن.ک: روزبه، ۱۳۸۱: ۱۲۷). نسیم در شعرش کوشیده تا مسائل روز جامعه و جهان، روابط انسانی و انتقادهای سیاسی و اجتماعی مردم را که بیشتر با دستمایه طنز و هجو همراه است، فریاد زند. زبان شعری او «زبان و فرهنگ مردم درگیر در انقلاب بود» (شمس لنگرودی، ۱۳۷۰: ۳۸۰). در عصر مشروطه، با وجود شاعرانی چون او، مضامین آزادی، وطن‌دوستی و عدالت‌خواهی در قالب‌های سنتی و نو رونق یافت و شعر به میان مردم رفت و هوایی تازه در شریان ملت جاری شد (ن.ک: حسینی کازرونی، ۱۳۸۹: ۱۱۷). اشعار نسیم اغلب سیاسی-فکاهی و در دفاع از

استقلال وطن و مقابله با استبداد، وطن‌فروشی، جهل، ریاکاری و بی‌فرهنگی است و بدین گونه سال‌ها، عشق و علاقه مردم آزادی‌خواه را به خود برانگیخت (ن.ک: روزبه، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

ادبیات پایداری

در سه دهه اخیر، درباره ادبیات پایداری مطالب بسیار زیادی نوشته شده است، اما اغلب به توصیف موضوع‌ها و ذکر کلیات اکتفا نموده‌اند. اگرچه ادبیات پایداری ریشه در گذشته‌های دور و دراز دارد و تاریخ آن در حقیقت، همان تاریخ ادبیات جهان است، ولی در عصر جدید با به کارگیری ابزار و تکنیک‌های مدرن از سوی زیاده‌طلبان و جهان‌خواران نوین، تجاوز به ملت‌ها و سلب حقوق آنها ابعاد گسترده‌تر و مخوف‌تری به خود گرفت تا جایی که اصطلاح «ادبیات پایداری و متعهد» به عنوان شاخه جدیدی از ادبیات، در میان ملت‌های تحت ستم و افراد حق‌جو و آزادی‌خواه متداول گردید و آثار ادبی تازه‌ای با محوریت حق و حقوق مردم و فریاد حق‌طلبی و ستم‌گریزی آنها و ستایش از مبارزان به جهان ادبیات عرضه گردید.

استفاده از اصطلاح ادبیات پایداری از دیرباز معمول نبوده است. در غرب، سابقه بحث نظری در باب این موضوع، به جنگ اصطلاح جهانی دوم و رویدادهای پس از آن، و در ایران به عصر مشروطه برمی‌گردد. در جهان عرب نیز برای اولین بار غسان کفانی، نویسنده معاصر فلسطینی، نام مجموعه شعرها و داستان‌های شاعران و نویسندگان معاصر فلسطینی را «ادبیات مقاومت در فلسطین اشغالی» گذاشت و پس از آن، اصطلاح ادبیات پایداری رایج شد؛ «یعنی ادبیاتی که در پی آرمان فلسطین پدید آمد و صورت و معنای خود را از مفاهیم و اصطلاحات برخاسته از آن کسب نمود. بر این اساس، شعر پایداری فلسطین، شعری است که پس از آرمان فلسطین، همگام و همراه با مردم گام برداشت و به نوعی، تاریخ انقلاب فلسطین را به تصویر کشید» (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۰: ۶۱۲).

جان‌مایه ادبیات پایداری، در دو جنبه داخلی و خارجی یا بین‌المللی قابل جمع‌بندی است. توجیه حقانیت مردم، توصیف وضعیت موجود جامعه، ذکر آرمان‌های ملی و مردمی، ستایش فتوحات و بیان شجاعت مردم، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی حاکمان از ابعاد داخلی ادبیات پایداری است. در بُعد خارجی، جان‌مایه ادبیات پایداری اغلب به اموری برمی‌گردد که هویت و اصالت تاریخی مردم مقاوم را نشان می‌دهد؛ شجاعت در برابر اشغالگری، ایستادگی قهرمانانه در برابر بیداد خارجی و استعمار سرمایه‌ملی، عکس‌العمل جلدی و مناسب در مقابل بی‌اعتنایی به ارزش‌ها، سنت‌ها، اخلاق، آداب و رسوم قوم و تخریب و استحاله شناسنامه فکری- اعتقادی آنها، پافشاری بر اراده و عزت خود و درهم شکستن قید و قيود یأس و ناامیدی از پیروزی.

بر این اساس، ادبیات پایداری، ظهور توانایی‌های جمعی و مقاومت آنها در برابر هر آن چیزی که به جمع بی‌اعتناست و وزن آن را در معادلات سیاسی و اجتماعی نادیده می‌گیرد؛ لذا مفهوم پایداری، یک ارزش تلقی می‌شود و در ژرف‌ساخت خود، نماد جلوه‌های مختلف درونی و بیرونی جامعه است (ن.ک: زرین‌کوب، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۲) که ادیب را ملزم می‌سازد تا هنر خود را در پی «ایجاد تغییر و تحول مناسب» (اسماعیل، ۱۹۶۳م: ۳۷۴) جامعه و ملت خویش به کار گیرد و به او هشدار می‌دهد که میزان تعهد او با میزان توجه وی به مسائل مردمی سنجیده می‌شود (ن.ک: ضیف، ۱۳۸۸: ۱۳). خاستگاه چنین ادبیاتی اعماق قلب ادیب و پاسخ به انگیزه‌های درونی اوست و انتخاب، اقدام مثبت و آگاهی به مسئولیت و مشارکت آگاهانه اجتماعی (ن.ک: ابوحاقه، ۱۹۷۹م: ۱۳) از لوازم دیگر آن است.

جلوه‌های ادب پایداری در شعر نسیم شمال

سید اشرف‌الدین حسینی به عنوان ادیبی متعهد، شعر خویش را وسیله آزادی ملت خویش قرار داده است. با عنایت به مطالب بیان شده، مهم‌ترین شاخصه‌های ادب پایداری در اشعار نسیم شمال آورده شده است. عشق به سرزمین مادری و ملی‌گرایی:

از زمینه‌های تفکر در شعر پایداری، عشق به میهن است. وطن، زادگاه و مکانی برای حفظ اموال، ناموس، عزت و شرف انسان است. و به همین سبب، یکی از نشانه‌های خردمندان، دلدادگی به وطن است. محبت به وطن در اسلام نیز مورد تأیید قرار گرفته است، چنان که از پیامبر (ص) روایت شده است: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» (حرّعاملی، بی تا، ج: ۱: ۱۱). حضرت علی (ع) نیز عامل آبادی سرزمین‌ها را «عشق» به آنها دانسته است: «عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ق: ۲۰۷ و مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج: ۷۵: ۴۵). سرزمین برای شاعر، همه چیز است و وی وظیفه خویش می‌داند که با زبان خویش به دفاع از آن پرداخته و علاقه درونی خود را نمایان سازد. در ابیات زیر، نسیم شمال ناراحتی خویش را درباره وطن ابراز داشته است و آن را بسان یوسف (ع) دانسته که در دهان گرگ اجل، بی کس و تنها مانده است:

ای غرقه در هزار غم و ابتلا، وطن ای در دهان گرگِ اجل مبتلا، وطن
 ای یوسف عزیزِ دیارِ بلا، وطن قربانیان تو همه گلگون قبا، وطن
 بی کس وطن، غریب وطن، بینوا وطن»
 (حسینی، ۱۳۶۵: ۴۷-۴۶)

او اغلب از وطن با واژه «مادر» یاد می‌کند و غم و اندوه خویش را از غارت شدن اموال و سرمایه ملی بیان کرده است و به دلیل این مصیبت، همه به ویژه نوجوانان کشور را ماتم زده دانسته، وطن را بی یار و یاور می‌داند:

«عریان ز چیست پیکرت ای مادر عزیز؟ کو لعل و گنج گوهرت، ای مادر عزیز؟
 شد خاک تیره بسترت ای مادر عزیز! نوبواوگان تو ز غمت در عزا، وطن
 بی کس وطن، غریب وطن، بینوا وطن»
 (همان)

وی اندوه و افسوس خود را به خاطر تغییراتی که در کشور «کاووس کیانی» (مظهر قدرت) رخ داده است، بیان می‌دارد و در ادامه، از رمز و نماد در اشعارش بهره می‌برد و معتقد است که «زاغ» و «زغن» بر جای «بلبل» تکیه زده‌اند. بلبل «در سراسر جهان به زیبایی آواز مشهور است. این پرند که تمام شاعران، آن را رامشگر عشق می‌خوانند، تمام احساسات را جان می‌بخشد و در ارتباط نزدیک با عشق و مرگ است» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۸، ج: ۲: ۱۰۴-۱۰۳) و «زاغ اغلب به عنوان صفت آدم پرحرف و دزد به کار می‌رود که این دو صفت دقیقاً از رفتار این پرند ناشی می‌شود. همچنین نمادی از شومی است و دیدن آن، علامت نحوست است» (همان، ج: ۳: ۴۲۸-۴۲۷):

ای دل غافل براحوال وطن خون گریه کن خیز ای غافل به این دشت و دمن خون گریه کن
 ای دریغا! دستخوش شد کشور کاوس کی آه و واویلا که عمر مملکت گـردید طی
 جای رطل جام می غولان نهادستند پی جای بلبل تکیه زد زاغ و زغن، خون گریه کن
 (حسینی، ۱۳۶۵: ۱۶۵-۱۶۶)

انتقاد از اوضاع نابسامان جامعه:

یکی دیگر از جلوه‌های ادب پایداری در اشعار نسیم شمال، اعتراض نسبت به نابسامانی‌ها و مفاسد اجتماعی ایران است. عدالت، امری عمومی، فراتاریخی و انسانی است؛ یعنی مربوط به مذهب خاص، دین خاص یا دوره تاریخی خاصی نیست؛ بلکه همواره در میان همه ادیان و مکاتب جهان مطرح بوده است. نسیم شمال در شعری که به مناسبت عید نوروز و سال نو سروده است در اعتراض به شکاف طبقاتی و گسست میان فقیر و غنی که حاصل بی‌عدالتی و ستم‌پیشگی حاکمان است، چنین فریاد برآورده است:

عید آمد و ما قبا نداریم با کهنه‌قبا صفا نداریم
گردید لباس پاره پاره در پیکر خود عبا نداریم
جز سنگ و کلوخ و آجر و خشت ما بالش و متکا نداریم
آجیل و لباس و پول خوب است اما چه کنم که ما نداریم
خوب است بساط ساز و آواز افسوس که ما صدا نداریم
(همان: ۳۴)

در ادامه وقتی می‌بیند مفساد و آسیب‌های اجتماعی از هر سو سر برآورده‌اند، طوری که زمانه دیگر قابل تحمل نیست و به جای آنکه امور اصلاح شوند، پیاپی وزیران عوض می‌شوند و بی‌ثباتی قوت بیشتری می‌گیرد، با ناله و درد گفته است:

یاران! چه کنم که کس ندارم بلبل شده‌ام قفس ندارم
خواهم بگریزم از زمانه اصلاً ره پیش و پس ندارم
بازار وطن شد، پر از درد یک شحنه و یک عسس ندارم
هر روز شود عوض وزیری در محکمه دادرس ندارم
(همان: ۳۶)

بی‌کفایتی مسئولان وقت که وارث کشوری با مردان بزرگ و پیشینه‌تاریخی قدرتمند و روشنی هستند و با سیاست‌های غلط خود تیره‌روزی و غم‌واندوه را برای مردم به بار آورده‌اند، با تأثیرپذیری از محتشم کاشانی در منقبت امام حسین^(ع) چنین به تصویر می‌کشد:

باز این چه غلغله است که در کشور جم است
(قحط‌الرجال) فقر و فنا هر دو با هم است
اسباب تیره‌بختی ملت فراهم است
باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
(همان: ۱۵۹)

آزادی خواهی:

در نظام‌های مستبد و خودکامه و بیدادگر، خفه کردن فریادها و اعتراض‌ها در گلو و نیز جلوگیری از آزادی تفکر و عمل یک قانون نانوشته است: «در یک چنین نظام‌هایی شکنجه، زندان، خفه کردن فریادها در گلو، تبعید و ترور، قانون است» (سنگری، ۱۳۷۷: ۳۹). شاعر گاهی این مضمون را آشکارا به شعر آورده است و گاهی از نماد و رمز بهره برده است. نسیم شمال فشار و محدودیت حاکم را به اشکال گوناگون به تصویر کشیده است. گاهی نبودن آزادی را در جامعه در قالب یک گفتگوی خیالی چنین بیان کرده است:

دست مزن، چشم بیستم دو دست راه مرو، چشم دو پام شکست
حرف مزن، قطع نمودم سخن نطق مکن، چشم بیستم دهن
(حسینی، ۱۳۶۵: ۲۱)

گاهی نیز به خاطر خشم، ناراحتی و دل‌تنگی از اوضاع آشفته و قید و بندهای حاکم بر قلم‌ها و ترس از عواقب ناشی از بیان واقعیت تلخ وطن و تهدیدهایی که متوجه اوست، چنین داد سخن داده است:

ز بخت خویش نالانم، نمی‌دانم چه بنویسم
 از این اوضاع حیرانم، نمی‌دانم چه بنویسم
 قلم در دست بگرفتم، نویسم از وطن شرحی
 مثال بید لرزانم، نمی‌دانم چه بنویسم
 برای یوسف گلچهر در بازار پُروحشت
 اسیر چنگ گرگانم، نمی‌دانم چه بنویسم»
 (همان: ۹۶)

در جای دیگر، از قلم که نمادی برای آزادی است، آشکارا می‌خواهد که همانند حضرت یوسف^(ع) در کنج زندان و مانند یعقوب^(ع) در بیت‌الاحزان، صبر پیشه کند و چیزی نگوید؛ زیرا در کشوری که آزادی نیست، قلم جایگاهی ندارد و فریادی که از حلقوم او برمی‌خیزد، هیچ‌گوشی را نمی‌نوازد:

ای قلم تا می‌توانی در قلمدان صبر کن
 یوسف‌آسا سال‌ها در کنج زندان صبر کن
 همچو یعقوب حزین در بیت‌الاحزان صبر کن
 کور شو، بیرون نیا از شهر کنعان ای قلم!
 نیستی آزاد در ایران ویران ای قلم!
 (همان: ۱۶۱)

او وقتی حاکمیت زور و نادیده گرفتن حق بیان را فراگیر می‌بیند، از افراد می‌خواهد که از اوضاع شکایت نکنند، یادی از پادشاهان پرافتخار گذشته ننمایند، سخنی در انتقاد از یزرگان نگویند و تمجیدی از وطن بر زبان نیاورند. برای این منظور، از نماد «الولو» بهره می‌برد:

«بچه جون داد مکن الولو میاد داد و فریاد مکن، الولو میاد
 خفه شو، الولو میاد می‌بردت در لب آب روان می‌دردت
 لقمه لقمه سر پا می‌خوردت از وطن یاد مکن، الولو میاد
 بچه جون داد مکن، الولو میاد
 از بزرگان همه تنقید مکن یاد از رستم و جمشید مکن
 از وطن این همه تمجید مکن وصف اجداد مکن، الولو میاد
 بچه جون داد مکن، الولو میاد
 (همان: ۱۰۶-۱۰۷)

امید به آینده روشن:

امید و امیدواری عامل محرکی برای نیل به آمال و اهداف عالی انسانی است. شاعر در پس ابرهای تیره یأس و سرخوردگی که آسمان چشمان مردم ستم‌دیده و جورکشیده را فراگرفته است، به روشنایی افق فردا نظر دارد و با نوید دادن به آینده روشن، شعله‌های امید را در دل‌ها روشن نگه می‌دارد. اصولاً شعرانقلابی به آینده خوش‌بین است؛ زیرا انقلابی‌گری تلاش برای تغییر وضع موجود به وضع مطلوب است (ن.ک: النقاش، ۱۹۷۲م: ۳۴). از این رو، آینده بخشی از شعر شاعر

است (ن.ک: بسیسو، ۱۹۸۸م: مقدمه). نسیم شمال دربارهٔ افتتاح مجلس سوم (شعبان ۱۳۳۲ هجری قمری) که پس از سال‌ها تلاش و مبارزهٔ فراوان حاصل شده، با بهره‌گیری از تخلص خود، امید را در دل مردم زنده می‌کند:

می‌شود دنیا به کام اهل ایران، ای نسیم!
می‌نماید شادکامی هر مسلمان، ای نسیم!
آفتاب معرفت گردد درخشان، ای نسیم!
نورباران می‌شود این شهر تهران، ای نسیم!
(حسینی، ۱۳۶۵: ۲)

در ابیاتی ضمن تبریک تشکیل مجلس به مردم، امیدوار است که اوضاع شهرهای ایران بهبود یابد:
دارم امید ایران شود خوب قزوین شود خوب، زنجان شود خوب
کرمان و یزد و کاشان شود خوب تبریز و رشت و تهران شود خوب

بهر خراسان مجلس مبارک

(همان: ۹)

چنان که با بهره‌گیری از شعر سایر شاعران، به شیوهٔ دیگری می‌کوشد مردم را به پیروزی نهایی حق بر باطل امیدوار سازد:

هرچند که ما ذلیل گشتیم
در غصّه و غم علیل گشتیم
بی‌صاحب و بی‌وکیل گشتیم
در نومیدی بسی امید است
پایان شب سیه سپید است
(همان: ۱۵۲)

دعوت به مبارزه:

ادب پایداری، ادبی بی‌پروا و ستیزه‌جوست که به قیام، ایستادگی و ایثار دعوت می‌کند؛ گاه در صورت فریاد اعتراض و گاه در پس چهرهٔ نبرد مسلحانه، استبداد داخلی و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی از جمله زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات پایداری است و بذر اولیّهٔ آن را حق‌کشی، مظلوم‌ستیزی و «حوادث ناگواری چون جنگ و نابرابری‌های اقتصادی و نظام‌های سیاسی فاسد» پراکنده‌اند (ن.ک: مصطفوی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۶۹). در شعر زیر، نسیم شمال از جوانان می‌خواهد که به یاری وطن و جنگ با دشمنان آن بشتابند، چرا که از هر سو او را محاصره و در بند کشیده‌اند:

ای جوانان وطن نو نهالان وطن می‌رود جان وطن

موقع دادرسی است

روز فریادرسی است

دشمن از چهار طرف گرد ایران زده صف ای پسرهای خلف

موقع دادرسی است

روز فریادرسی است

خیز ای تازه جوان شو سوی جنگ روان تا به کی این خفقان؟

موقع دادرسی است

روز فریادرسی است

(حسینی، ۱۳۶۵: ۹۳-۹۲)

او وقتی می‌بیند دشمن با رخنه کردن به کشور به مانند لقمه‌ای شیرین بدان طمع بسته است (ن.ک: همان: ۱۶۴) و دین و ملیت آنها را در معرض تهدید قرار داده است، از جوانان می‌خواهد که از خواب غفلت برخیزند و به زندگی ذلت‌بار تن ندهند. سپس با برانگیختن غیرت دینی و همّت ملی‌شان آنها را به نبرد با دشمن تشویق می‌کند، چرا که او وارد کشور شده است:

ای جوانان وطن! امروز روز همّت است

ای هواخواهان دین! امروز روز غیرت است

می‌رود ناموس، آخر این چه خواب غفلت است؟

دشمن بیگانه آمد بر سرِ بالین ما

ای دریغا! می‌رود هم مملکت، هم دین ما!

ای جوانان! همّتی، این موقع جنگ است، جنگ

زندگی با این مذلت بهر ما ننگ است، ننگ

عرصه بر ما اهل ایران بعد از این تنگ است، تنگ

زانکه کافر می‌دهد هم غل و هم تلقین ما

ای دریغا! می‌رود هم مملکت، هم دین ما

(همان: ۱۵۱)

دعوت به اتحاد و وحدت:

یکی دیگر از مضامین ادب پایداری، دعوت به اتحاد است؛ زیرا اتحاد یک ملت علیه یک ظالم، سبب سُست شدن قدرت و سرنگونی او می‌شود. نسیم شمال در دعوت مسلمانان به اتحاد و پرهیز از تفرقه، از اصولی چون کتاب، قبله، دین و نیز از عالمان دین کمک گرفته است و با هشدار به پرهیز از دشمنی، چاره همبستگی را در بردباری می‌بیند:

میانۀ دو برادر نفاق و کینه ز چیست؟ حدیث بصره و بغداد در مدینه ز چیست؟

برای مذهب خود می‌کنیم جانبازی شویم شهرۀ آفاق در سرافرازی

خدا گواست تمامی دروغ می‌گویند به حق قسم سخن بی‌فروغ می‌گویند

کتاب و قبله و دین خدایکی است، یکی برادران وطن و دین ما یکی است، یکی

مقلّد علماییم جملگی واللّه رساله در بغل ماست روز و شب تالله

خدا گواست تمامی دروغ می‌گویند به حق قسم سخن بی‌فروغ می‌گویند

(همان: ۱۱)

از خصومت اشخاص وز نفاق دیرینه می‌شود به هر هفته، پای‌مال، کابینه
 می‌زند از این تغییر، خلق بر سر و سینه الحذر از این بحران الأمان از این کینه
 چاره بهر این ملت، غیر بردباری نیست درجبین این کشتی، نور رستگاری نیست
 (همان: ۵۶)

یادکرد از مبارزان و آزادی‌خواهان:

روحیه آزادی و آزادی‌خواهی، یکی از مفاهیمی است که هر انسانی برای آن احترام قائل است و تا اوج فداکاری از حریم آن پاسداری می‌کند و هرگاه قدرتی در پی آن باشد که این موهبت الهی را از او بازستاند، در برابر او ایستادگی نموده، آن را به قیمت جان پاس خواهد داشت. یکی از شاخص‌ترین مضامین ادب پایداری که به طور بارزی حس وطن‌دوستی شاعر را نمایان ساخته، ستایش آزادی‌خواهان و کسانی است که در راه آزادی دست به مبارزه زده‌اند. نسیم شمال در شعر خویش به پایداری، رادمدی و دینداری مردم تبریز اشاره نموده، خدا را یار و یاور آنان دانسته است:

ملت تبریز خدا یارتان دست خدایی کمک کارتان
 نام شما در همه بحر و بر گشت به مردی و هنر مشتمر
 درج نمودند به السواح زر در همه جا نقشه و آثارتان
 ملت تبریز خدا یارتان
 ریشه ظلم ز شما کنده شد نام شما باقی و پاینده شد
 دین محمد ز شما زنده شد احمد مختار نگهدارتان
 ملت تبریز خدا یارتان

(همان: ۱۷۷)

نتیجه‌گیری

اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه، منجر به ظهور شاعرانی چون سید اشرف الدین حسینی ملقب به نسیم شمال شد که مهم‌ترین مضامین شعری آنها، اشعار وطنی و مهم‌ترین دغدغه‌شان، رسیدن به استقلال و آزادی ایران بود. نسیم شمال شاعری واقع‌گرا، متعهد به هویت و اصالت تاریخی مردم و سرزمین خود است و حفظ ارزش و کرامت انسانی و رعایت حقوق سیاسی و اجتماعی افراد، دغدغه اصلی اوست. به طوری که اشعارش به مانند سرودهای ملی، سرشار از شور، شوق، عزت، غرور و سربلندی است. نبود آزادی، خفه کردن فریادها و اعتراض‌ها در گلو، امید به آینده روشن، دعوت به مبارزه و یاد آزادی‌خواهان و فراخوانی به اتحاد و یکپارچگی از مهم‌ترین جلوه‌های ادب پایداری در شعرش می‌باشد. نسیم شمال، ملی و درون‌وطنی می‌اندیشد و اغلب از سیاست‌های داخلی حاکمان و اوضاع آشفته کشور خود گله‌مند و یا حتی معترض است. او اندیشه ادب پایداری و عناصر مربوط به آن را به صورت صریح و روشن در اشعارش به کار برده است. نسیم شمال با یاری جستن از این عناصر می‌کوشد تا فضای مبارزه را برای مخاطبان شعر خویش ملموس ساخته و از این رهگذر، آنان را به پایداری در برابر تمامی عوامل ظلم و استبداد ترغیب و تشویق سازد.

منابع

۱. آرین‌پور، یحیی، (۱۳۷۲)، *از صبا تا نیما* (دوره دو جلدی). تهران: زوآر.
۲. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق.)، *تحت العقول عن آل الرسول* (ص)، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

۳. ابو حاقه، احمد، (۱۹۷۹م.)، *الإلتزام فی الشعر العربی*، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.
۴. اسماعیل، عزالدین، (۱۹۶۳م.)، *التفسیر النفسی للأدب*، قاهره: دارالمعارف.
۵. بسیسو، معین، (۱۹۸۸م.)، *الأعمال الشعریة الكاملة*، بیروت: دارالعودة.
۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (بی تا)، *امل الآمل*، بغداد: انتشارات مکتبه اندلس.
۷. حسام پور، سعید و حاجبی، احمد، (۱۳۸۷)، «سهم ادبیات پایداری در کتاب‌های درسی»، نامه پایداری، به کوشش احمد امیری خراسانی، تهران: بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس.
۸. حسینی، سیّد اشرف الدّین (نسیم شمال)، (۱۳۶۵)، *باغ بهشت*، تهران: مطبوعاتی حسینی.
۹. حسینی کازرونی، سیّد احمد، (۱۳۸۹)، «سبک و سیاق شعر مشروطه»، فصل نامه تحقیقات تمثیلی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد بوشهر، دوره دوم، ش. ۱، صص ۱۱۵-۱۳۶.
۱۰. الحسین، قصبی، (۱۹۷۲م.)، *الموت و الحیاه فی شعرالمقاومه*، دارالرائدالعربی، چاپ اول.
۱۱. روزبه، محمد رضا، (۱۳۸۱)، *ادبیات معاصر ایران (شعر)*، تهران: روزگار.
۱۲. زرّین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۵)، *آشنایی با نقد ادبی*، تهران: امیرکبیر.
۱۳. سارتر، ژان پل، (۱۳۴۸)، *ادبیات چیست؟*، ترجمه ابوالحسن نجفی. تهران: کتاب زمان.
۱۴. سنگری، محمد رضا، (۱۳۷۷)، «ادبیات پایداری (مقاومت)»، نامه پژوهش (ویژه دفاع مقدّس)، چاپ اول، سال سوم، ش. ۹، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
۱۵. شمس لنگرودی، محمد، (۱۳۷۰)، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، تهران: مرکز.
۱۶. شوالیه، ژان و دیگران، (۱۳۸۸)، *فرهنگ نمادها و اساطیر*، ترجمه سودابه فضایی، تهران: جیحون، چاپ سوم.
۱۷. شیخ‌لووند، فاطمه، (۱۳۸۴)، «بررسی شعر سیّد اشرف الدّین حسینی، شاعر مردم»، یادنامه اشرف الدّین حسینی، به اهتمام علی اصغر محمدخانی، تهران: سخن. صص ۳۵۴-۳۶۱.
۱۸. ضیف، شوقی، (۱۳۸۸)، *البحث الأدبی: مناهجه و مصادره*، تحقیق بتول مشکین فام. تهران: سمت.
۱۹. کریمی لاریمی، رضا، (۱۳۸۹)، «سیر تحلیلی ادبیات پایداری از گذشته تا کنون»، مجموعه مقالات فرهنگ عاشورایی و ادب، قم: یاس نبی، صص ۲۲۹-۲۳۰.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق.)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۱. محسنی نیا، ناصر، (۱۳۸۸)، «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب»، نشریه ادبیات پایداری کرمان، سال اول، ش. ۱ (پاییز)، صص ۱۴۳-۱۵۸.
۲۲. مصطفوی نیا، سیّد محمد رضی و دیگران، (۱۳۹۰)، «مقاومت در شعر توفیق امین زیاد»، نشریه ادبیات پایداری کرمان، سال دوم، ش. ۳، صص ۵۶۵-۵۸۸.
۲۳. میرقادری، سیّد فضل‌الله و حسین کیانی، (۱۳۹۰)، «کرامت نفس در آینه شعر شهید علی فوده، شاعر پایداری فلسطین»، نشریه ادبیات پایداری کرمان، سال دوم، ش. ۴، صص ۶۱۱-۶۴۳.
۲۴. النّقاش، رجاء، (۱۹۷۲م.)، *محمود درویش، شاعر الأرض المحتلّه*، بیروت: المؤسسه العربیّه للدراسات والنّشر.
۲۵. نجفی، ابوالحسن، (۱۳۵۶)، *وظیفه ادبیات*، تهران: کتاب زمان.

